

ایین معاملات، نیاز به بحث بیشتر دارند و درباره ارزش برخی تردید هست؛ مثلاً ترکیه همین اواخر میدان گازی عظیمی زیر دریای سیاه کشف کرده، پس چرا باید نیاز داشته باشد که از ایالات متحده، ال‌ان‌جی بخرد؟ اما در دنیای «معامله به مثابه دیپلماسی» ترامپ، این‌ها با عقل جور در می‌آیند.

از نظرگاه اروپایی، این تحولات، چارچوب رابطه تازه‌ای چشمگیر بین ایالات متحده و ترکیه را ترسیم می‌کنند: ترامپ با اردوغان رابطه‌ای دوستانه دارد و اهمیتی برای تخریب حاکمیت قانون در کشوری که یک متحد مهم عضو ناتوست، قائل نیست؛ ترامپ از آنچه «تصرف غیردوستانه» سوریه «از طریق نیروهای نیابتی» توسط آنکارا می‌خواند، راضی است؛ ترامپ رضایت داده، خطوط هوایی ترکیه، خریدی انبوه از بوئینگ داشته باشد، به عنوان شرکتی که معمولاً مایل است بین دو تأمین‌کننده اش، ایرباس و بوئینگ، تعادل را حفظ کند و بالاخره ترامپ امیدوار است ترکیه را از نفت روسیه و شاید همین‌طور از گاز روسیه، جدا کند.

روی هم رفته، مواضع تازه کاخ سفید درباره ترکیه، احتمالاً واگرایی بین ایالات متحده و اروپا بر سر سیاست‌هایشان نسبت به آنکارا را تشدید خواهد کرد؛ ضمناً این مواضع، به خوبی نشان می‌دهند، وقتی پای پیاده کردن سیاست «اول آمریکا» در صحنه بین‌المللی می‌رسد، ایالات متحده با متحدان اروپایی هماهنگی ندارد.

در این مقطع، به نظر می‌رسد هیچ کدام از جدی‌ترین مسائل بین دو رئیس‌جمهور حل نشده‌اند. پنتاگون، پرتابگرهای موشکی اس ۴۰۰ را مانعی جدی بر سر راه تحویل جنگنده‌های رادارگریز اف۳۵ ساخت آمریکا به ترکیه می‌بیند. آنکارا پیش از اینکه در دسامبر ۲۰۲۰، توسط ترامپ از برنامه توسعه این جنگنده بیرون رانده شود، سفارشی برای این جنگنده‌ها داده بود که شامل اف۳۵ب می‌شد. اف۳۵ب، نسخه نیروی دریایی این هواپیماست که بنا بود روی ناو هواپیمابر آنداولو در دریای سیاه یا مدیترانه مستقر شود. مهم‌ترین عامل مانعت‌کننده این است: عادی‌سازی روابط آنکارا با واشنگتن، نیازمند این است که به طریقی، این اس ۴۰۰ها از سر راه برداشته شوند، یا به کشوری ثالث ارسال یا فروخته شوند، یا تحت نظارت ایالات متحده در ترکیه انبار شوند. هر دو گزینه احتمالاً از سوی کرملین ناپذیرفتنی‌اند. ایده دیگری که مورد بحث است، خرید اف۱۶، دومین گزینه در فهرست بهترین‌ها، از سوی ترکیه است.

به همین شکل، اجبار ترکیه به توقف خرید نفت خام

رئیس‌جمهور ترکیه، مدت‌ها منتظر این لحظه در اتاق بیضی بود، چون در تمام دوران ریاست‌جمهوری جو بایدن، کاخ سفید از او میزبانی نکرده بود. اردوغان، بر خلاف گرایشات معمول اش، سرسختانه‌ترین مواضع خود را پیش خود نگه داشت و نظراتش درباره نسل‌کشی اسرائیل در غزه، «مقاومت» حماس و ارتباطات ترکیه با روسیه را برای جای دیگر گذاشت. سفر این رهبر ترک به واشنگتن با فاصله کمی پس از سخنرانی او در مجمع عمومی سازمان ملل متحد رخ می‌داد و در نتیجه، حرف‌های سرسخت‌مآبانه خود را قبلاً در نیویورک زده بود. مسائل محل اختلاف، آن‌جا مورد بحث گسترده بین نیروهای سطح بالای دولت‌ها قرار گرفته بودند. اردوغان، روایت رسمی ترکیه را برای مصاحبه‌اش با فاکس‌نیوز در روز ۲۳ سپتامبر نگه داشت و بعد از بازگشت به آنکارا هم این روایت را ادامه داد تا تصویر خود را به عنوان رهبری مورد احترام، تقویت کند.

در واقع، اردوغان نیاز مبرمی به این جلسه رسانه‌ای گران‌بها داشت تا گرفتاری‌های عمیق داخلی‌اش را پنهان کند، به‌خصوص از آن‌جا که در دوره ترامپ، دیدارهایی در کاخ سفید به برنامه‌ای تلویزیونی دنباله‌داری تبدیل شده است. در خانه، تصاویر صامت با صدای گزارش‌گری که روی آن صحبت می‌کرد، به اردوغان اجازه داد این دیدار را به عنوان موفقیتی مهم تصویر کند: رئیس‌جمهور ترکیه در حال گفت‌وگو با همتای خود در ایالات متحده، در حالی که همچنان خصومت‌آمیزترین مواضع خود را حفظ کرده است. این بلافاصله به نظر یک پیروزی می‌آمد.

ترامپ هم انتخاب کرده بود این دیدار، دوره‌می دوستانه و مردانه‌ای باشد. چنان که تام باراک، سفیر ایالات متحده در ترکیه و نماینده ویژه در امور سوریه، شب قبل از این دیدار گفت، رئیس‌جمهور از مخالفت‌های بی‌پایان با آنکارا درباره استفاده ترکیه از موشک‌های اس ۴۰۰ یا غیبت ترکیه در فرایند تحریم‌ها علیه روسیه، «خسته» شده است. به جای این‌ها، ترامپ تصمیم گرفت «آنچه را اردوغان بیش از هر چیز نیاز دارد، به او بدهد: مشروعیت.»

ترامپ، زنده از کاخ سفید، از به‌اصطلاح دوستش، با ترکیبی از حرف‌های مثبت و منفی استقبال کرد: تحسین رهبری قدرتمند اردوغان در کشورش و در خاورمیانه، از جمله در سوریه؛ شوخی سرزنش‌آمیزی درباره «انتخابات دستکاری‌شده» در ترکیه؛ ابراز تأسف درباره خرید نفت روسیه توسط آنکارا و صحبت از معاملات بزرگ بین ایالات متحده و ترکیه، شامل یک هواپیما، یک نیروگاه هسته‌ای و تأمین گاز طبیعی مابع یا ال‌ان‌جی. بیشتر

واردات گاز از روسیه افزایش یافته است. طبق اعلام نهاد مقررات بازار ترکیه، ای‌پی‌دی‌کی، گاز روسیه، در سال ۲۰۲۲، ۳۹/۵ درصد، در سال ۲۰۲۳، ۴۲/۱۷ درصد و در سال ۲۰۲۴، ۴۱/۳ درصد از کل واردات گاز ترکیه را به خود اختصاص داده است.

بعد از توقف واردات نفت خام و فرآورده‌های پتروشیمی از ایران در سال ۲۰۱۹، ترکیه به شکلی فزاینده برای گاز به روسیه متکی بوده است. طبق داده‌های ای‌پی‌دی‌کی، سهم واردات از دو تأمین‌کننده اصلی، یعنی روسیه و عراق، به ترتیب چنین بوده است: در سال ۲۰۲۲، ۴۰/۷۵ درصد و ۲۶/۲۹ درصد؛ در سال ۲۰۲۳، ۵۱ درصد و ۲۰ درصد و در سال ۲۰۲۴، ۶۶ درصد و ۹/۸ درصد. این افزایش احتمالاً به دو دلیل است: اول، کشورهای اروپایی نفت روسیه را غیرمستقیم و از طریق ترکیه می‌خریدند. دوم، دولت اقلیم کردستان عراق، در دوپوینم سال گذشته، به خاطر اختلاف با دولت مرکزی عراق بر سر تقسیم درآمدها، صادرات نفت را متوقف کرد و این منجر به پرونده دآوری در دیوان بین‌المللی کیفری شد. حالا که آن مسئله حل شده است، صادرات نفت از طریق بندر جیحان ترکیه از سر گرفته شده است. اتحادیه اروپا نیز متعهد شده واردات سوخت‌های فسیلی از روسیه را تا پایان سال ۲۰۲۷، متوقف کند. این اتفاقات در کنار آن ممکن است منجر به کاهش قابل‌توجه واردات نفت ترکیه از روسیه، در چند سال آینده شود.

همکاری در مناطق پرچالش

تلاش‌های ایالات متحده برای حمایت از منافع کسب‌وکارهای آمریکایی در منطقه، در نقاطی که حضور نظامی آمریکا کاهش یافته است، فرصتی برای همکاری با ترکیه در حوزه انرژی و در کشورهای ثالث ایجاد می‌کند. سیاست‌های ترامپ در حمایت از سوخت‌های فسیلی، شرکت‌های نفت و گاز آمریکا را تشویق می‌کنند تا وارد بازارهایی تازه شوند و این فرصتی برای همکاری با شرکت‌های ترکیه‌ای ایجاد می‌کند.

ترکیه نقشی کلیدی در پیروزی آذربایجان بر ارمنستان در سال ۲۰۲۰ ایفا کرد، همین‌طور در بازگشت ناگرو-قره‌باغ به حاکمیت باکو در سال ۲۰۲۳. آنکارا حمایتی کلیدی در بخش‌های نظامی و راهبردی به آذربایجان ارائه کرد. ترکیه حامی بازگشایی گذرگاه موسوم به زنگزور هم بود. آنکارا این گذرگاه را بخشی از «گذرگاه میانه» می‌دید که آذربایجان را به نخجوان در نهایت به ترکیه وصل می‌کند و در نتیجه، اروپا را به آسیای مرکزی و در نهایت به چین وصل می‌کند؛ اما ارمنستان، پیاده‌سازی بند مربوط به این گذرگاه را در توافق ۲۰۲۰، به تأخیر انداخت، احتمالاً به‌دغدغه‌های روسیه و ایران و نیز بابت اصرار آذربایجان که کنترل این جاده در اختیارش باشد، بدون بررسی‌های مرزی یا گمرکی ارمنستان در میانه قلمرو ارمنستانی. بعد از میانجیگری ایالات متحده، نام این گذرگاه به «مسیر ترامپ برای صلح و شکوفایی بین‌المللی» تغییر کرد و این می‌تواند مانعی در مقابل نفوذ روسیه و ایران در منطقه باشد. اگر پروژه به

دیپلمات‌ها



ملاک کار با آژانس قانون مجلس است

محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی در پاسخ به این سوال که با توجه به فعال شدن مکانیسم اسنپ‌یک، آیا بازرسان آژانس هنوز در کشور حضور دارند؟ گفت: «ملاک ما برای کار با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، قانون جدید مجلس است. در این قانون دوشرط تعیین شده و مرجع تشخیص، گزارش سازمان انرژی اتمی و تأیید شورای عالی امنیت ملی قلمداد شده است. تا این لحظه، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی وظیفه قانونی خود را انجام نداده است.» اسلامی با بیان اینکه ما از آژانس خواسته‌ایم که به وظیفه قانونی خود عمل کند، گفت: «باید حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران را محکوم می‌کرد که محکوم نکرده است و نیز در تضمین حفاظت از اطلاعات مربوط به صنعت هسته‌ای کشور هم هیچ اعلامیه‌ای صادر نکرده است که متعهد باشد اطلاعات صنایع هسته‌ای ایران حفظ شود. مادامی که این اقدامات انجام نشود، قانون مجلس قابلیت اجرا ندارد.» وی تصریح کرد: «بنابراین، حضور بازرسان بر اساس برنامه‌های خود آژانس صورت نمی‌گیرد. تنها در دو مورد بازرسی که وزارت امور خارجه هماهنگ کرده و دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی تصویب کرده بود، برای تأسیسات بوشهر و راکتور تهران، بازرسان حضور یافته، بازرسی کرده و سپس کشور را ترک کرده‌اند.»



بازگشت قطعه‌نامه‌ها و جاهت حقوقی ندارد

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، در سخنرانی خود در اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو جنبش عدم تعهد، اقدام به فعال‌سازی سازوکار ماشه از سوی تروئیکای اروپایی را اقدامی غیرقانونی خواند که نمی‌تواند واجد آثار حقوقی باشد. عراقچی با یادآوری موعد انقضای قطعه‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و مفاد آن در رابطه با موضوع هسته‌ای ایران در روز ۲۶ مهر ۱۴۰۴، خواستار مخالفت کشورهای عضو جنبش عدم تعهد با سوءاستفاده از نهادهای بین‌المللی به‌ویژه شورای امنیت سازمان ملل برای باج‌گیری و اعمال فشار بر کشورهای در حال توسعه شد. عراقچی همچنین تصریح کرد که با توجه به عدم صلاحیت سه کشور اروپایی در توسل به سازوکار حل اختلاف برجام، محرز بودن سوءنیت آنها و نیز مخالفت صریح دو عضو دائم شورای امنیت با این حرکت سه کشور اروپایی، ادعای آمریکا و سه کشور اروپایی مبنی بر بازگشت قطعه‌نامه‌های لغو شده شورای امنیت در سال ۲۰۱۵ به موجب برجام، باطل است و بنابراین نباید از سوی کشورها واجد اثر حقوقی شناخته شود. عراقچی با تأکید بر حق مشروع و قانونی ملت فلسطین برای ادامه مبارزه جهت احقاق حق تعیین سرنوشت، مسئولیت همه دولت‌ها را در این خصوص متذکر شد و تصریح کرد که جمهوری اسلامی ایران از هر اقدامی برای توقف نسل‌کشی فلسطینیان، خروج اشغالگران از غزه، ارسال بدون مانع کمک‌های انسانی و بازسازی غزه حمایت می‌کند و در عین حال موکداً بر لزوم پایان دادن به بی‌کفایتی رژیم صهیونیستی و محاکمه و مجازات جنایتکاران صهیونیست تأکید می‌کند. وزیر امور خارجه در بخش دیگری از سخنانش بر ضرورت همبستگی و حمایت از کشورهای قهرآمیز یکجانبه و ظالمانه آمریکا قرار دارند، از جمله وزنولا، کوبا، نیکاراگوئه، بلاروس و ایران تأکید کرد.

دارد به عنوان موقعیت دیگری جهت همکاری بالقوه بین شرکت‌های ترکی و آمریکایی ظاهر می‌شود. ترکیه از حمایت صرف از دولت وحدت ملی مستقر در طرابلس فاصله گرفته و حالا با دولت مستقر در بنغازی در شرق لیبی با

رهبری خلیفه حفتر هم تعامل می‌کند. اولین نشانه این تغییر در ماه آوریل از راه رسید، وقتی صدام، پسر خلیفه به ترکیه رفت و با وزیر دفاع ترکیه و دیگر مقامات ارشد ارتش دیدار کرد. ترکیه در سال ۲۰۱۹ توافقی درباره یک منطقه انحصاری اقتصادی با طرابلس داشته است و این تعاملات اخیر با دولت تحت رهبری حفتر، تأیید این توافق در پارلمان بنغازی را محتمل‌تر می‌کند. این نقطه عطفی در بحث حق حاکمیت و استخراج انرژی ترکیه در شرق مدیترانه خواهد بود. اوایل سپتامبر، ابراهیم کالین، مقام ارشد اطلاعات ترکیه در لیبی با حفتر دیدار کرد. به دنبال این دیدار، شایعاتی فزاینده منتشر شده است که حفتر به زودی به ترکیه سفر خواهد کرد.

ترکیه، از طریق توافقات همکاری دریایی و دفاعی اش با دولت طرابلس، جایگاه خود را به عنوان یک بازیگر کلیدی سیاسی نظامی در لیبی تثبیت کرده است و از ماه مه ۲۰۲۰، در دویاپگاه نظامی مشغول فعالیت است؛ یکی پایگاهی دریایی و زمینی در مصرانه و یکی پایگاهی هوایی در الوطیه. ترکیه هم‌اکنون از نیروهای دولت مستقر در طرابلس حمایت می‌کند؛ از جمله با ارائه پمپا، سرباز، مستشار نظامی، سامانه الکترونیکی جنگی، واحدهای دفاع هوایی و موشک تاکتیکی. هدف کلی تر ترکیه، استفاده از این جای پای نظامی به عنوان اهرمی است، در جهت حمایت از بازسازی نهادهای دولتی لیبی، تسهیل بازسازی ملی به عنوان سیاستی که وزارت دفاع ترکیه با شعار «یک لیبی، یک ارتش» حامی آن است و نیز تضمین حقوق اقتصادی ترکیه در شرق مدیترانه. در ماه اوت، شرکت ملی نفت لیبی، آن اوس، یادداشت تفاهمی با اکسان موبیل امضا کرد. با توجه به نقش برجسته اکسان موبیل در استخراج گاز مدیترانه، همکاری بین آن اوس، اکسان موبیل و بوتاش ترکیه روزه‌به‌روز محتمل‌تر می‌رسد.

بانگاهی به سرتاسر این حوزه‌های همکاری، الگویی واضح پیدای می‌شود: در مناطق درگیری‌های پیشین یا جاری، جاهایی که شرکت‌های آمریکایی به‌دنبال تثبیت یا گسترش حضور خود هستند، ترکیه نقشی کلیدی در تضمین امنیت و ثباتی ایفا می‌کند که برای تجارت و سرمایه‌گذاری ضروری است؛ به‌علاوه، انتظار می‌رود ترکیه در این مناطق با شرکت‌های آمریکایی همکاری کند. ترکیه همکاری‌ها در حوزه انرژی با واشنگتن را افزایش می‌دهد، با تنوع‌بخشی به واردات انرژی در جهت کاهش واردات از روسیه تلاش می‌کند و حضور نظامی خود را در مناطقی که آمریکا در حال کاهش جای پای خود است، افزایش می‌دهد. در این شرایط، الگویی تازه برای همکاری ایالات متحده و ترکیه در حال سر بر آوردن است. این الگو، بر پایه منافع تجاری مشترک، حضور راهبردی در منطقه و اشتراک مساعی است که ظرفیت‌های مکمل ایالات متحده و ترکیه در حوزه‌های قدرت نرم و سخت را به عنوان اهرمی به کار می‌گیرد.